

پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت روز تجلیل از شهدا و ایثار گران ۲

بسم الله الرحمن الرحيم

نام مبارک شهیدان بر پیشانی یکی از روزهای دفاع مقدس، این روز را همچون قلّه رفیع روزهای پرخطر آن دوران، برجسته و ممتاز می‌سازد زیرا شهیدان، خود، تجسّم شگفتی‌ها و زیبایی‌های دوران جهاد فی سبیل‌الله‌اند. راز بزرگ پیروزی در همه میدان‌ها، ازخودگذشتگی است و انسان‌های ازخودگذشته و فداکارند که ملت‌های خود را به اوج شکوه و عظمت می‌رسانند. رها شدن از تعلقات حقیر مادّی است که چنین انسان‌هایی را به آنچنان توانایی شگفت‌انگیز می‌رساند و قدرت فرامادّی به آنان می‌بخشد. شهیدان عزیز ما و خانواده‌های صبور و بزرگوار آنان که برای خدا از نفیس‌ترین داشته‌های عالم مادّی چشم پوشیدند، در صفوف مقدم چنین انسانهایی قرار دارند.

سلام خدا و فرشتگان و بندگان صالح بر آنان باد.

سیدعلی خامنه‌ای

6 مهر ۱۳۹۱



وصیت نامه برخی از شهدا

فرازی از وصیت نامه سیاسی عبادی حضرت امام (ره)

شما ای ملت مجاهد در زیر پرچمی می روید که در سراسر جهان مادی و معنوی در اهتزاز است بیایید آن را یاری نیابید شما راهی را می روید که تنها راه تمام انبیاء علیهم سلام و یکتا راه سعادت مطلق است . در این انگیزه که همه اولیاء شهادت را در راه آن به آغوش می کشند و مرگ سرخ را احلی من العسل می دانند و جوانان شما در جبهه ها جرعه ای از آن را نوشیده و به وجد آمده اند و در مادران و خواهران و پدران و برادران آنان جلوه نموده و ما باید به حق بگویم: پالیتنا کنا معکم فافوزا فوزا عظیما گوارا باد بر آنان آن نسیم دل آرا و آن جلوه شورانگیز .

مقدمه حضرت امام خمینی (ره) بر وصیت نامه شهداء

بسم الله الرحمن الرحيم

آنچه مقابل شما است جملاتی از وصیت نامه های عده ای از شهدا انقلاب اسلامی است براستی انسان را به یاد شهداء صدر اسلام می اندازد. من شرمم می آید که خود را در مقابل این عزیزان ، سرشار از ایمان و عشق و فداکاری بحساب آورم. آنان با عشق به خدای بزرگ به معشوق خویش پیوستند و ما هنوز در خم یک کوچه هم نیستی . خداوندا این عزیزان از خودگذشته را در جوار رحمت خود بپذیر و ما را از قید و بندهای خودبینی و خودخواهی نجات مرحمت فرما.

انک ذوالفضل العظیم

حضرت آیت الله خامنه ای :

غروب خورشید

و هیچ روزی چون چهار دهم خرداد نبود که درآن طوفان مصیبت و عزا بر این مردم ، تازیانه ی غم و اندوه فرود آورد.ایران یک دل شد و آن دل در حسرتی گدازنده سوخت ، و یک چشم شد و آن چشم در مصیبتی عظیم گریست. درآن روز خورشیدی غروب کرد که با طلوع آن هزار چشمه نور درزندگی ملت ایران جوشیده بود، روحی عروج کرد که با نفس روح الهی اش پیکر ملت را جان بخشیده بود، ضجه ای خاموش شد که نفس گرمش سردی و افسردگی از جهان اسلام زدوده بود ، لبانی بسته شد که آیات الهی عزت و کرمّت ا بر مسلمین فروخوانده و افسون یاس و ذلت را درروح آنان باطل ساخته بود.

با سلام و درود بر امام مهدی (عج)، محبوب دل عاشقان ولایت و امید دل مستضعفان و امام مجاهدان؛ آن که هرگاه یاد او می‌کنم با سوز و گداز دل، آن که امید آ مدن و ظهورش را می‌کشم با مناجات با او و ریختن اشک؛ از اینکه دل حضرتش رابه درد آورده‌ایم شبها را به صبح می‌آوریم و با عشق و محبت آن امام آتش به سیاهی شب می‌زنیم ./مسعود محمودی

مولاجان، عهد می‌کنم تا آنجا که در جسمم توان رزم و ستیز دارم و پاهایم توان گام نهادن سوی دشمن را دارد، و تا آنجا که نفسم به آخرین شماره‌های خود رسیده باشد و قطرات پایانی خونم بر زمین بریزد، به ندای «هل من ناصر ینصرنی» ولایت فقیه و نایب تو لبیک بگویم تا اینکه خداوند نعمت عظمای شهادت را نصیبم کند، که بالاترین مرحله تکامل انسان است و سعادت هر دو جهان در دست یافتن به این نعمت بزرگ می‌باشد./ محمد کنعانی

کلیات: اجازه بدهیم شما را متوجه ولایت فقیه سازم و بی‌هیچ غرضی عرض کنم که او حامل پیام الهی است، او مفسر احکام خدایی است او متصل به ولایت رسول‌الله است./ امیرحسین صوری

این را بدانید که فقط ولایت فقیه می‌توان ایران و جهان را از گودال بزرگ منجلاب فساد و تباهی بیرون بکشد و به سوی جامعه اسلامی هدایت کند./ مجید تاجیک

گرد محور امامت و ولایت گرد هم آید، از تفرقه بپرهیزید، و خون شهیدان را پایمال نکنید. /علی‌الله مهرجو

اوّلین وصیتّ به ملّت همیشه در صحنه ایران است که همان‌طوری که از اوّل پشتیبان ولایت فقیه بوده و از او حمایت می‌کردند، از این پس هم باید وحدت و یکپارچگی خود را حفظ نمایند. /محمد نظری

تو را به خدا این امام دلسوز را همواره در پیش روی داشته باشید و از خطّ ولایت خارج نشوید که به راه ضلالت و گمراهی خواهید رفت. /علی پاک جم‌پورفرد

پیرو ولایت فقیه باشید که همان ولایت خداوند و پیغمبران و امامان است. سخنان اما را اگر مسلمان و شیعه هستید سرلوحهٔ همهٔ امور خود قرار دهید. /محسن پورحسن

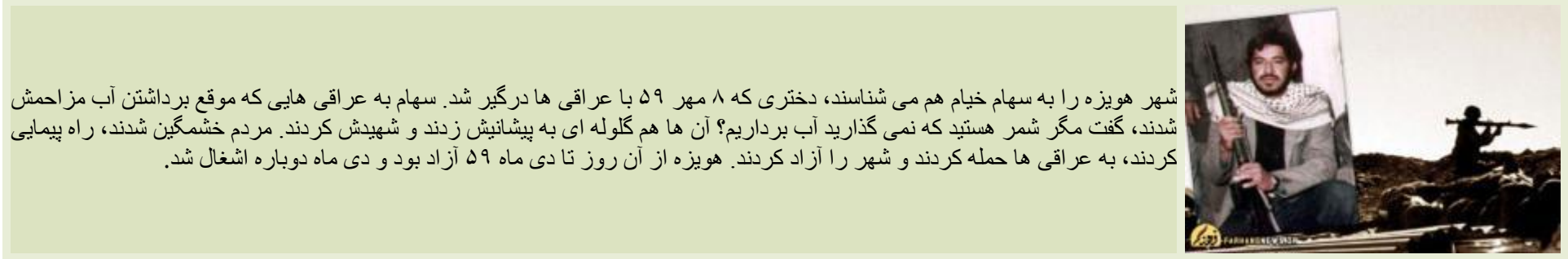
ای امت بیدار، و ای منتظران و زمینه‌سازان حکومت جهانی حضرت مهدی(عج)، بدانید که تنها در سایهٔ ولایت است که انسان به ارزشهای الهی و انسانی خواهد رسید و گرنه هر عملی بدون داشتن ولایت بیهوده است. همانگونه که رسول اکرم(ص) فرمودند: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً الْجَاهِلِيَّةِ» یعنی هرکس بمیرد و امام زمانش را نشناسد مرده است به مردن زمان جاهلیّت. و اینک، امام امت خمینی بت‌شکن که نایب امام‌زمان(عج) می‌باشد پرچمدار این ولایت هستند. /محمود رفیعی میاندشتی

به طوری که می‌دانیم امام به عنوان تنها نمونه و الگو و تنها میزان اسلام راستین بوده و در زمرهٔ فقیه زمان و نایب راستین امام عصر(عج) می‌باشد. اطاعت و عمل به دستورات وی وظیفهٔ شرعی و اسلامی بوده و سرپیچی از آن حرام است و در آخرت مورد مجازات و عقوبت است. به قول یکی از شهدا مگر می‌شود منتظر مهدی(عج) بود و عاشق خمینی نبود؟/محمد گیتی‌فروز

ای امت مسلمان، ای پویندگان راه اسلام، هرگز امام را تنها نگذارید و پیرو و پشتیبان ولایت فقیه باشید و اما را دعا کنید؛ و هرگز فریب منافقین و روشنفکران غربزده و شرقزده را نخورید و روحانیّت مبارز را حامی باشید و براین فرمودهٔ امام که می‌فرماید کشور بدون روحانیّت مثل کشور بدون طبیب است توجه داشته باشید./هادی قربانعلی

و بر گرفته از کتاب سفیران نور و کتاب قلم های بهشتی انتخاب موضوعی وصیت نامه های شهیدان خراسان جنوبی توسط نشر شاهد ، فرهنگ جبهه انقلاب اسلامی ایران در جنگ تحمیلی توسط نشر پایداری ، درسهایی از حماسه آفرینان عرصه عشق و ایثار با تحقیق و تنظیم مرکز پژوهشهای فرهنگی بنیاد انقلاب اسلام

تانک ها روی شهیدان



شهر هویزه را به سهام خیام هم می‌شناسند، دختری که ۸ مهر ۵۹ با عراقی ها درگیر شد. سهام به عراقی هایی که موقع برداشتن آب مزاحمش شدند، گفت مگر شمر هستید که نمی گذارید آب برداریم؟ آن ها هم گلوله ای به پیشانیش زدند و شهیدش کردند. مردم خشمگین شدند، راه پیمایی کردند، به عراقی ها حمله کردند و شهر را آزاد کردند. هویزه از آن روز تا دی ماه ۵۹ آزاد بود و دی ماه دوباره اشغال شد.

هشت سال دفاع مقدس به عنوان یک درس و تجربه بسیار گران قیمت، که به قیمت خون صدها هزار شهید و خسارات فراوان به دست آمده است، می تواند در زمینه های گوناگونی مورد استفاده قرار گیرد.

شهر هویزه را به سهام خیام هم می‌شناسند، دختری که ۸ مهر ۵۹ با عراقی ها درگیر شد. سهام به عراقی هایی که موقع برداشتن آب مزاحمش شدند، گفت مگر شمر هستید که نمی گذارید آب برداریم؟ آن ها هم گلوله ای به پیشانیش زدند و شهیدش کردند. مردم خشمگین شدند، راه پیمایی کردند، به عراقی ها حمله کردند و شهر را آزاد کردند. هویزه از آن روز تا دی ماه ۵۹ آزاد بود و دی ماه دوباره اشغال شد.

عملیات هویزه که در نتیجه نا هماهنگی و عدم تجربه نیروهای خودی پس از پیروزی اولیه به شکست انجامید، می تواند عبرتی باشد برای عبرت گیران. در این عملیات علیرغم فداکاری و از خود گذشتگی شهید سید محمد حسین علم الهدی و نیروهایش در نهایت هویزه به دست اشغالگران بعثی افتاد.

عملیات نصر (هویزه) صبح روز ۱۵ دی ماه ۱۳۵۹ با حمله هماهنگ شده نیروهای ایرانی به مواضع دشمن آغاز شد. نیروهای عمل کننده توانستند مناطق جنوبی کرخه کور را آزاد ساخته و ضربات محکمی بر نیروی دشمن وارد آورند. نیروهای عراقی که شدیداً غافلگیر شده بودند با به جا گذاشتن توپخانه خود به دو کیلومتری جنوب کرخه کور عقب‌نشینی کردند و در حدود ۸۰۰۰ نفر از افراد آنها به اسارت در آمدند. لیکن به دلیل تأخیر نیروهای محور کارون در عبور از این رودخانه و برخورد آنها به میدان مین پادگان حمید و منطقه جفیر که عقبه دشمن محسوب می‌شدند و از اهداف مرحله اول بودند دست نخورده در اختیار دشمن باقی ماندند.

طبق طرح عملیات مرحله دوم حمله روز بعد، ساعت ۸ صبح شروع شد. نیروهای زرهی و پیاده به سوی پادگان حمید و منطقه جفیر اقدام به پیشروی کردند. در مقابل تعدادی از تانک‌های دشمن با آرایش نظامی جناح جنوبی لشکر زرهی ۱۶ را مورد تهدید قرار دادند. یگانهای عراقی با وجود ضربات سختی که روز قبل متحمل شده بودند با در دست داشتن پادگان حمید از توان پشتیبانی و تحرک بالایی برخوردار بودند.

زندگی و شهادت سید محمد حسین علم الهدی+ بخشی از وصیتنامه

نیروهای خودی سرمست از پیروزی اولیه، دشمن را دست کم گرفته و از تثبیت مواضع جدید غافل شده و تلاشی در تحکیم موقعیت بدست آمده به عمل نیاوردند، سنگری ایجاد نکرده و خاکریزی بر پا نداشتند. از روز قبل تانک‌های عراقی در صحنه باقی مانده و برخی افراد به جمع‌آوری غنائم مشغول شدند. فقدان تجربه در مقابل ضد حمله و کمبود مهمات و ضعف تدارکات دست در دست هم داده و موازنه قدرت را در صحنه نبرد به ضرر نیروهای خودی دگرگون ساخت.

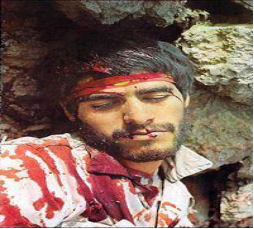
در ساعت ۱۱ کل نیروهای لشکر ۱۶ زیر آتش شدید توپخانه دشمن قرار گرفت و در غرب سوسنگرد نیروهای دشمن به حرکت در آمدند حضور هواپیماهای دشمن در آسمان منطقه و بمباران مواضع نیروهای خودی اوضاع را برآشف‌ت. تانک‌های عراق به هزار متری محل استقرار تیپ رسیدند. شدیدترین جنگ تانک‌ها در طول جنگ بین لشکر ۱۶ زرهی و لشکر ۹ زرهی دشمن درگرفت و تا ساعت۴ بعدازظهر ادامه یافت. در این

شوروی یکی از دو ابرقدرت آن دوران از سال ۱۹۸۰ تأمین نظامی هر دو کشور را متوقف کرده بود اما از سال ۱۹۸۲ به منبع اصلی عراق برای خرید سلاح‌های پیشرفته تبدیل شد. آمریکا نیز در سال ۱۹۸۵ در جریان مذاکراتی پنهانی اقدام به فروش سلاح به ایران کرد. ایران که از سال ۱۹۸۴ جنگ را به داخل خاک عراق کشانده بود، در فوریه ۱۹۸۶ موفق به تصرف فاو یکی از مهمترین بنادر صدور نفت عراق شد. در ۸ ژانویه ۱۹۸۷ ایران عملیات عظیمی به نام کربلای ۵ را برای تصرف بصره دومین شهر بزرگ عراق را به انجام رساند که در جریان آن ۶۵ هزار سرباز ایرانی و ۳۰ هزار عراق کشته شدند. ایران در ۲۶ فوریه این عملیات را متوقف کرد و در شرایطی که بن‌بست نظامی در جبهه جنوبی جنگ کامل شده بود جنگ نفتکش‌ها با حملات دو طرف به سوی کشتی‌های غیرنظامی در خلیج فارس به اوج خود رسید. کشتی‌های کویتی یکی از اهداف مورد علاقه ایرانی‌ها بودند. حملات نیروهای ایران به نفتکش‌های شوروی و آمریکا که در خدمت دولت کویت بودند و حمله غافلگیرانه یک جنگنده عراقی به ناو جنگی آمریکایی که به غرق شدن ناو یواس‌اس استارک و مرگ ۳۷ سرباز آمریکایی انجامید، کشتیرانی بین‌المللی را در معرض خطر قرار داده و زمینه مداخله بیشتر هر دو ابرقدرت را فراهم کرد و هر دو از قطعنامه‌های شورای امنیت که از دو طرف درخواست آتش‌بس داشت، حمایت می‌کردند.^[۴]

شورای امنیت سازمان ملل متحد در کل ۸ قطعنامه در این خصوص صادر نمود که همگی به جز قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران رد شد. دو کشور در طول جنگ آسیب‌های فراوان اقتصادی را متحمل شدند و بیش از یک میلیون نفر در این جنگ کشته یا مجروح شدند.

دلائل و زمینه های جنگ

از زمان به قدرت رسیدن حزب بعث در عراق در سال ۱۹۶۸ میلادی، عراقی‌ها رویای رهبری جهان عرب را در سر می‌پروراندند. از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۰ درآمدهای نفتی عراق افزایش یافت. این موضوع به عراق کمک می‌کرد تا خلاء ناشی از مرگ جمال عبدالناصر در صدر رهبری اعراب را پر کنند، زیرا مصر پس از پیمان کمپ دیوید نفوذ خود در میان اعراب را از دست داده بود.



در جریان اعمال حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی عراق روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع کرد و از اتحادیه عرب خواست تا آنان نیز چنین کنند. درخواستی که از سوی اتحادیه عرب رد شد. عراق همچنین اعتراض رسمی‌ای به سازمان ملل نوشت که توسط این سازمان نادیده گرفته شد. عراقی‌ها که از همه جا سرخورده شدند، دست به اخراج ۷۰۰۰ ایرانی ساکن عراق زدند. در سال ۱۹۷۴ تنش در روابط دو کشور به اوج خود رسید و درگیری‌های نظامی مرزی پراکنده کم‌کم به جنگی تمام عیار تبدیل شد. تنش به قدری بالا گرفت که کورت والدهایم دبیرکل سازمان ملل متحد ناچار به مداخله و اعزام نماینده ویژه به مرزهای دو کشور شد. نتیجه گزارش این نماینده منجر به صدور قطعنامه ۳۴۸ شورای امنیت شد که در آن طرفین ملزم به حل اختلاف مرزی میان خود شدند. در جریان پیمان‌نامه ۱۹۷۵ الجزایر ایران به‌طور ضمنی پذیرفت که در ازای رفع اختلافات مرزی آبی در اروندرود بر اساس خط تالوگ، دست از حمایت از کردهای عراق بردارد. این نقش را بعدها اسرائیل به تنهایی در برابر کردها برعهده گرفت.^۸ بنابراین عراق که در طول سال‌های بعد سیاست‌های ضدعرب و ضدصهیونیستی را تبلیغ می‌کرد،^۹ در سال ۱۹۸۰ و پس از سقوط شاه، سیاست ایرانی ستیزی را در دستور کار عراقی‌ها قرار داد. صدام متوجه خلاء ناشی از سقوط شاه ایران به عنوان ژاندارم خلیج فارس شده بود و تلاش داشت تا نقشی که پیش از آن محمدرضا پهلوی ایفا می‌کرد را برعهده گیرد.^{۱۰} او برای این‌کار نیاز به مرز آبی کافی و تسلط بر خلیج فارس داشت.^{۱۱} [عراق از زمانعبدالکریم قاسم، خوزستان را بخشی از عراق می‌دانست که توسط حکومت عثمانی به ایران تقدیم شده بود و به همین دلیل از تجزیه طلبانخوزستان حمایت می‌کرد. حمایتی که با قرارداد الجزایر برای مدتی متوقف شده بود. ولی تحرکات تحریک آمیزی چون نمایش نقشه منطقه که در آن خوزستان «عربستان» نامیده شده و بخشی از خاک عراق بود از تلویزیون بصره ادامه داشت].^{۱۲} به گفته جیمز بیل، دلیل اصلی شروع جنگ و مناقشات سیاسی قبل از آن را به طور کلی می‌توان در «تسلط یافتن بر خلیج فارس» دانست. تحقق این هدف برای مصر و عربستان سعودی و سایر شیخ نشینهای منطقه چندان ناخوشایند نبود.^{۱۳} [سفیر عراق در لبنان در ۱۲ آبان ۱۳۵۸ به مصاحبه با روزنامه النهار بیروت گفت:^{۱۴}

هشود شرایط با ایران منوط به تحقق ۳ شرط اصلی است: ۱- تجدیدنظر در پیمان نامه ۱۹۷۵ الجزایر درباره ارون رود ۲- اعطای خودمختاری به عشایر کرد و بلوچ و عرب ۳- خروج نیروهای نظامی ایران از جزایر سه گانه ایرانی مورد مناقشه و سراسر خلیج فارس

صدام حسین مدعی بود که نظام بعثی از همان ابتدای انعقاد قرارداد مرزی ۱۹۷۵ در زمان شاه، خود را معیوب می‌دید.^{۱۶} به نظر می‌رسد که باور عمومی در میان مقامات عراق این بود که پس از انقلاب، ایران دچار ضعف شده و برای عراق فرصت مناسبی فراهم آورده تا توازن قبلی قوا در خلیج فارس را با یک حمله نظامی برهم زده و همزمان راه‌حل جدیدی برای مشکلات عراق با شیعیان جنوب و کردهای شمال این کشور جلوی پای آنان بگذارد.^{۱۷} از سوی دیگر تنها دو ماه پیش از آغاز جنگ، صدام حسین و زبیبگیو برژینسکی در عمان با یکدیگر دیدار کردند. باور بنی صدر این بود که برژینسکی در این ملاقات به صدام اطمینان داده که ایالات متحده مخالفتی با الحاق خوزستان به عراق ندارد.^{۱۸}

پس از وقوع انقلاب ۱۳۵۷، عراق برخی ناآرامی‌های سیاسی را زیر سر سید محمد باقر صدر و با حمایت و تشویق ایران می‌دانست. صدام حسین، از وجود یک همسایه انقلابی شیعه در مرزهای شرقی خود احساس خوبی نداشت.^{۱۹} [رهبران ایران نیز رسماً اعلام می‌کردند که به سیاست صدور انقلاب ایران به سایر کشورها می‌اندیشیدند].^{۲۰} روح‌الله خمینی معتقد به صدور انقلاب اسلامی به دیگر ملل بود و در نخستین سالگرد پیروزیانقلاب اسلامی (۲۳ بهمن ۱۳۵۸) اظهار داشت:^{۲۱}

ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم

عراق مدعی بود که وارد یک جنگ دفاعی شده و از حق مشروع خود برای دفاع از حاکمیت و تمامیت ارضی و بازپس‌گیری اراضی خود با توسل به زور استفاده می‌کند. آن‌ها معتقد بودند که حکومت ایران تمام راه‌های حل مسالمت‌آمیز اختلافات دو کشور را مسدود کرده‌است. پیش از آغاز یورش بارها ایران را به اقدامات تجاوزگرانه نسبت به عراق و دخالت در امور داخلی خود از جمله حمایت از حزب غیرقانونی الدعوه می‌کردند. رهبران ایران هم در بخش عربی رادیو دولتی این کشور به بدگویی شدید از حکومت بعث عراق پرداخته و آن را یک حکومت ضد اسلامی و دست‌نشانده قدرت‌های امپریالیستی معرفی می‌کردند. حکومت عراق نیز متهم می‌شد که به اقدامات تجاوزگرانه از جمله حمایت علنی از شورشیان جدایی‌خواه در خوزستان و قول کمک به آن‌ها برای آزادی «عربستان»، نامی که حکومت عراق بر این استان نهاده بود، می‌پردازد و دریادار احمد مدنی استاندار وقت خوزستان گفته بود که عراق برای شورشیان سلاح ارسال می‌کند. در چندین مورد حتی نیروهای عراق حملاتی را به شهرهای مرزی ایران ترتیب دادند که یکی از آن‌ها یورش به شهری در کردستان ایران در ژوئن ۱۹۷۹ و دیگری به شهر صالح‌آباد در جنوب بود که چندین کشته به جا گذاشت. در نیمه اول سال ۱۹۸۰ (زمستان ۵۸ و بهار ۵۹) چندین درگیری مرزی دیگر هم بین دو کشور رخ داد.^[۳۲]

با این وجود یکسال پیش از جنگ ، آمریکا دولت مهدی بازرگان را از احتمال بروز جنگ با خبر کرده بود. مقامات آمریکایی گزارش دادند:

در جریان عملیات، حضور مشترک یگان‌های مختلف و تمرین‌هایی برای گسیل و حرکت سریع یگان‌هایی بزرگ در مسیر شط‌العرب (اروند رود) رودی که مشخص‌کننده جنوبی‌ترین بخش مرز میان عراق و ایران است، در جریان است. عراق هم‌چنین مقادیر عظیمی ابزارآلات و تمهیدات جنگی را در این منطقه دارد جاساز می‌کند، این ابزارآلات و تمهیدات را پنهان و استتار می‌کند، و مشغول اجرای طرح‌های مهندسی نظامی‌ای است که حمله به ایران را برایش تسهیل خواهند کرد.

اختلافات مرزی ایران و عراق

مهمترین اختلاف مرزی دو کشور یک اختلاف کهنه بر سر وضعیت شط العرب بود. قسمت انتهایی شط العرب یا ارون رود مرز دو کشور را تشکیل می‌دهد. دولت عراق معتقد بود که مرز دو کشور بایستی بر اساس مفاد قرارداد قسطنطنیه ۱۹۱۳ تعیین شود اما ایران مرز دو کشور را خط تالوگ یعنی عمیق‌ترین قسمت رودخانه می‌دانست. دو کشور یک بار در سال ۱۹۳۴ اختلاف خود را به‌هم‌آمعه ملل ارجاع دادند اما توافقی حاصل نشد. در سال ۱۹۳۷ نخستین معاهده مرزی دو کشور به امضا رسید. بر اساس این قرارداد مرز دو کشور در امتداد ساحل شرقی رودخانه بود اما یک قسمت لنگرگاهی چهار مایلی در کنار آبادان به ایران اختصاص داده شده و در این قسمت خط تالوگ مرز دو کشور را مشخص می‌کرد. عراق معتقد بود ایران از شرایط داخلی سیاسی ناپسامان این کشور در آن زمان برای بهبود وضعیت خود در مذاکرات سود جسته است. ایران هم از این قرارداد ناراضی بود و در دهه ۱۹۶۰ آن را فسخ کرده و خواستار مذاکرات برای تعیین خط مرزی جدید شد و همزمان با حمایت از شورشیان کرد در شمال عراق این کشور را تحت فشار گذاشت. نهایتاً در سال ۱۹۷۵ در قرارداد الجزایر عراق خواسته‌های ایران در زمینه شط العرب را پذیرفت و خط تالوگ برای نخستین بار مرز رسمی دو کشور در این رودخانه شد و ایران هم در ازای آن تعهد کرد که به حمایت از شورشیان کرد پایان دهد. اما پنج سال بعد و پنج روز پیش از آغاز جنگ صدام حسین این قرارداد را فسخ کرده و مدعی شد این پیمان به دلیل عدم رعایت مفاد آن از سوی ایران اعتبار خود را از دست داده است

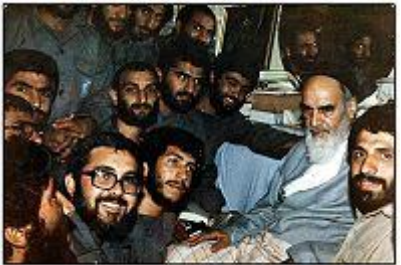


نیرو های ایرانی

در طول دهه هفتاد میلادی، ایران یکی از بزرگترین واردکنندگان تجهیزات نظامی بود. بخش عمده‌ای از این تجهیزات پیشرفته همچون هواپیماهای اف-۱۴، تجهیزات الکترونیکی و موشک‌های فونیکس از ایالات متحده وارد می‌شد. آلمان غربی در ساخت بزرگترین زرادخانه اصفهانشارکت داشت و انگلستان به ایران اسلحه می‌فروخت. برخی تجهیزات پدافند هوایی و ترابری نظامی ایران نیز از شوروی تأمین می‌شد. این روند با وقوع انقلابایران متوقف شد و نیروهای نظامی ایران را در موقعیت دشواری قرار داد. ایران برای دور زدن این تحریم تسلیحاتی روش‌های زیر را به کار گرفت .



- تلاش برای خرید قطعات یدکی مورد نیاز از هر منبع ممکن (مانند اروپای غربی، کره جنوبی، تایوان و حتی اسرائیل (در ماجرای ایران کنترا) که این قطعات را داشتند و یا آن را تحت لیسانس آمریکا تولید می‌کردند. ایران ناچار بود این قطعات را با قیمت گران و از بازار آزاد تهیه کند
- خرید لوازمی که خارج از حوزه تحریم تسلیحاتی بودند و تبدیل آن به تجهیزاتی که کاربرد نظامی داشتند. برای نمونه می‌توان به هواپیماهای سوئیسی،بالگردهای هلندی، کامیونهای آلمانی، مهمات ساخت چک اسلواکی، زره‌پوش‌های مجارستان، زره‌پوش‌ها و مهمات لهستان و خودروهای رومانیاییخریداری شده توسط ایران اشاره کرد.



یکی از مشکلات ایران در ابتدای جنگ، مسئله فرماندهان ارتش این کشور بود. از دید حکومت انقلابی ایران و از میان فرماندهان نظامی زمان پهلوی، تنها تعداد معدودی که در زمان دولت ملی محمد مصدق از فرماندهان بودند و یا کسانی که مخالف حکومت شاه بودند مناسب پست‌های فرماندهی نظامی بودند. چهل هزار مستشار آمریکایی که به عنوان آموزش با ارتش ایران همکاری می کردند با وقوع انقلاب از کشور اخراج شده بودند، تعداد زیادی از فرماندهان نظامی فرار کرده، بازنشسته شده و یا برکنار شده بودند، نظام سربازگیری ناکارا شده بود و بخشی از نیروهای نظامی کشور درگیر ناآرامی‌های داخلی (مانند گنبد کاووس) شده بودند.

در فاصله میان بهمن ۱۳۵۷ تا مهر ۱۳۶۱، ده‌ها تیمسار و افسر ارشد نظامی تعویض، کشته و یا برکنار شدند. ولی‌الله فرنی در تهران ترور شد. ولی‌الله فلاحی در یک سانحه سقوط هواپیما به شهادت رسید. سیهید سعید مهدیون به جرم شرکت در کودتای نوژه اعدام و سرلشکر باقری نیز زندانی شد.سرهنک فکوری که پنجمین فرمانده نیروی هوایی ایران به هنگام شروع جنگ بود همراه با سرتیپ فلاحی کشته شد. دریادار مدنی که استعفا داد و از کشور خارج شد و بالاخره دریادار بهرام افضلی که چهارمین فرمانده نیروی دریایی ایران به هنگام شروع جنگ بود و به جرم عضویت در حزب توده ایران در اردیبهشت ۱۳۶۲ دستگیر شد و به اتهام جاسوسی به همراه ۹ نفر دیگر از افسران بلندپایه ارتش در اسفند سال ۱۳۶۲ تیرباران شد نمونه‌هایی از فرماندهان نظامی تعویض شده بودند.

در این بین سپاه پاسداران نیز نیرویی تازه‌تأسیس متشکل از جوانان بود که امکانات و توانایی لازم برای جنگ را نداشت. فرماندهان رده بالای سپاه را غالباً جوانان کم تجربه تشکیل می‌دادند که از اصول کلاسیک رزم بی اطلاع بودند. برای نمونه محسن رضایی زمانی که در سال ۱۳۶۰ به فرماندهی کل سپاه منصوب شد، تنها ۲۷ سال سن داشت و تحصیلات او نیز دیپلم دبیرستان بود.

در سال ۱۹۸۲، مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق با پشتیبانی ایران در این کشور تأسیس شد و ایران شورشیان عراقی را برای مبارزه علیه کشور خود در این مجلس بسیج کرد.^{۳۴} [سپاه بدر که توسط سید محمدابقر حکیم تأسیس شد شاخه نظامی مخالفین عراقی شد].^{۳۵} [حزب الدعوه که در ایران حضور داشت و مورد حمایت دولت ایران بود علیه عراق فعالیت می کرد و دست به ترور طارق عزیز معاون وقت نخست وزیر این کشور زد.

نیروهای عراقی

ارتش عراق در آغاز جنگ، یک ارتش کاملاً وابسته به شوروی بود. ۸۵ درصد از تجهیزات این ارتش، طی ۵ سال پیش از جنگ از شوروی وارد عراق شده بود. صنایع نظامی فرانسه دومین صادرکننده تجهیزات و ادوات نظامی به عراق بودند. پس از این دو کشور، کشورهایمانند برزیل، اسپانیا و ایتالیا قرار داشتند.



عراق جنگ را در حالی آغاز کرد که زرادخانه‌های این کشور پر از سلاح بود. ولی این کشور با بحران کمبود قطعات یدکی مواجه بود و در آغاز جنگ شوروی تنها بخش کوچکی از قطعات مورد نیاز عراق را تأمین می‌کرد. ولی پس از شکست عراق در مرحله اول جنگ و از سال ۱۹۸۲، شوروی دوباره به مهمترین متحد نظامی عراق تبدیل شد.تا این مقطع عراق قطعات ساخت شوروی مورد نیاز خود را از کشورهایی مانند کره شمالی، مصر، چین و یوگوسلاوی تأمین می‌کرد. همزمان سلاح‌های زیادی از جمله موشک‌های اگزوست از فرانسه خریداری شد. همچنین تا پیش از آنکه تولید نوع مخصوص ضد کشتی هواپیماهای میراژ اف-۱ به پایان رسد، پنج فروند جنگنده ضدکشتی سوپر اتاندارد خود را به عراق اجاره داد که در جنگ نفت‌کش‌ها و حمله به جزیره خارک مورد استفاده قرار گرفتند.

خلبانان عراقی، دست کم در نبردهای هوایی بسیار پائین‌تر از استانداردهای غربی رفتار می‌کردند. درواقع یکی از مهمترین مشکلات عراق در طول جنگ نداشتن نیروی انسانی کارآزموده برای استفاده از سلاح‌های مدرنی بود که به دست می‌آورد. عراق هیچ‌گاه نتوانست از حداکثر ظرفیت این سلاح‌ها استفاده کند. برای نمونه ۴ سال پس از تحویل هواپیماهای سوخو-۲۴ به عراق، هیچ‌کدام از این هواپیماها بهره‌برداری نشده بودند.^{۳۱} [حتی امروز نیز نمی‌توان تخمین زد که چه تعداد از عراقی‌های کشته شده در طول جنگ، مستقیم و در اثر رویارویی با ایران کشته شده‌اند و چه تعداد از آنان در اثر ضعف فرماندهی و یا اشتباه در استفاده از تسلیحات پیشرفته.

مشکل عدم بهره‌برداری صحیح از تسلیحات پیشرفته فقط در نیروی هوایی این کشور وجود نداشت. برای نمونه خدمه عراقی گونه‌ای از تانک‌های ساخت شوروی در طول جنگ هرگز از سیستم دید در شب این تانک‌ها استفاده نکرده‌بودند. چرا که آن‌ها درک نمی‌کردند که تانک‌های آنان به چنین سامانه‌ای مجهز است. تا سال ۱۹۸۲ عراق حدود ۲۰۰ هواپیمای خود را از دست داده بود و بیشتر این خسارت نه در جنگ با ایران، بلکه در اثر تصادفات و سوانح غیر جنگی و مشکلات تعمیر و نگهداری به وجود آمده بود.



خلبانان ایرانی در طول جنگ ایران و عراق نه تنها با عراقی‌ها می‌جنگیدند، بلکه با خلبانانی با ملیت‌های دیگری از سراسر دنیا. خلبانان برخی از میگ‌های ۲۱ و میگ‌های ۲۳ عراق مصری بودند و خلبانان برخی از میراژهای اف-۱ بین سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۶ بلژیکی، آفریقای جنوبی، استرالیاپی و در یک مورد حتی آمریکایی نیز بودند.
بعلاوه خلبانان فرانسوی و اردنی نیز به عنوان معلم‌خلبان کار می‌کردند. شوروی‌ها و آلمان شرقی‌ها به عنوان خلبان میگ-۲۵ در عملیات‌ها شرکت داشتند. بیشتر گزارش‌هایی که دربارهٔ استقرار خلبانان شوروی در عراق است حکایت از آن دارد که این خلبانان دائماً با اف-۱۴ها برخورد داشته و چندین میگ-۲۵ با خلبان روس سرنگون شده است. معمولاً شوروی‌ها چندین خلبان با تجربه خود را برای این عملیات می‌فرستادند.

حمله رسمی عراق به ایران

عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰) حمله به ایران را آغاز کرد. نیروهای عراقی به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کرده بودند که نواحی بزرگی از غرب ایران را اشغال کنند.

در نخستین پیشروی ارتش عراق به خاک ایران حدود سی هزارکیلومتر مربع از خاک ایران به اشغال نیروهای متجاوز درآمد.طی دو روز نخست حمله، نیروهای عراقی به هیچ یگان نظامی ایرانی که در حد تیپ باشد، برخوردند.در واقع آن‌زمان ایران فقط دو لشکر از نیروهای مسلح و دو لشکر موتوریزه پیاده‌نظام در غرب کشور داشت که آن‌ها هم همگی از مرزها فاصله گرفته بودند. در این روزها، واحدهای گوناگون نیروی زمینی ایران به دلیل از هم پاشیدگی با تأخیر توانستند خود را به جبهه جنوب برسانند. نیروی زمینی ارتش توان مقابله پایاپای را با عراق نداشت. در همین زمانقاسمعلی ظهیرنژاد نظریه *دادن زمین در مقابل گرفتن زمان* را مطرح کرد که با مخالفت اکثر فرماندهان ارتش روبرو شد.^[*نیازمند منبع*]

نیروی زمینی عراق از سه جبهه و در هر جبهه با یک سپاه یورش زمینی خود را آغاز کرد. سپاه اول از جبهه شمالی حدود ۲۵ کیلومتر در اطراف قصر شیرین پیشروی کرد و سپاه دوم از جبهه میانپو در اطراف مهران، هردو پس از برخورد به مناطق کوهستانی متوقف شدند. این حملات برای پشتیبانی از حمله اصلی در خوزستان انجام شد. صدام تصور می‌کرد که مورد استقبال مردم خوزستان که بخشی از آنان عرب یا عرب‌زبان بودند قرار خواهد گرفت.



هدف اولیه بخش جنوبی ارتش عراق، تصرف برق‌آسای شهر مرزی خرمشهر و پس از آن آبادان، اهواز، دزفول و سوسنگرد بود. عراق کسب این هدف را یک پیروزی استراتژیک برای خود تلقی می‌کرد. ولی سه ستون زرهی عراقی که برای تصرف خرمشهر اعزام شده بودند با مقاومت ناهم‌هنگ و خودجوش مردم این شهر مواجه شدند و در کمین حدود ۳۰۰۰ غیرنظامی‌ای افتادند که سلاح‌های ناچیزی همچون تفنگ ام۱ گاراند،نارنجک و کوکتل مولوتوف داشتند، سازماندهی نشده بودند و از هر آموزش نظامی پیش از جنگ محروم بودند. ولی در عوض انگیزه بسیار زیادی برای جنگیدن داشتند. این نیروها موفق شدند جلوی پیشروی سریع ارتش عراق را بگیرند و عراق در همان مرحله اول جنگ، در رسیدن به اهداف خود ناکام ماند و درگیر یک نبرد خانه به خانه در کوچه‌های خرمشهر شد. تصرف خرمشهر برای عراق به ۱۵ روز زمان و ۵۰۰۰ کشته نیاز داشت و پس از آن نیز عراق به مدت سه هفته درگیر نبردهای خیابانی در این شهر بود. شهری که مدت‌ها به افتخار این نبرد، خونین‌شهر نامیده می‌شد.

پس از تصرف خرمشهر، ارتش عراق موفق شد در اواخر آبان شهر آبادان را به‌طور کامل محاصره کند. عراقی‌ها که بر حمایت عرب‌های خوزستان از ارتش خود، دست‌کم در شمال خوزستان حساب کرده‌بودند، بازهم ناکام ماندند. حملات پیاپی عراق برای تصرف شهرهای سوسنگرد و اهواز عقیم ماند و ارتش عراق شانس غافلگیری را به‌خاطر مقاومت یک گروه کوچک مردمی از دست داد. نقشه اولیه صدام، یک پیروزی سریع در حداکثر چند هفته بود. صدام و حتی بسیاری از تحلیلگران غربی هرگز پیش‌بینی شکست عراق در دستیابی به این اهداف و آغاز یک جنگ فرسایشی طولانی را نمی‌کردند.

به گفته مقامات سابق ارشد عراق وظیفه اصلی ارتش عراق در یورش اولیه خود این بود که توپخانه ایران را از مرزهای عراق دور کرده تا قادر به بمباران شهرهای عراقی، به ویژه بصره، نباشند. این کار بایستی در طول سه تا هفت روز انجام می‌شد و سپس بغداد برای مذاکره با تهران وارد عمل می‌شد. این طرح بر اساس استراتژی جنگی استاندارد عربی آن دوران تهیه شد که بر یورش سنگین نخست و سپس مذاکره بر اساس «وضعیت جدید» تأکید داشت. بنابراین نیروهای عراقی در خاک ایران نمی‌بایست بیش از ۴۰ کیلومتر پیشروی کنند و هیچ برنامه‌ای برای حفظ خاک ایران در مدتی طولانی وجود نداشت. اما در عمل این ایده بی‌ثمر بود چراکه ایرانی‌ها حاضر به مذاکره نبودند، آن‌هم در شرایطی که نیروهای عراقی تا آن حد در خاک ایران پیشروی کرده بودند. ضمن اینکه روحانیت حاکم بر ایران علاقمند به گسترش جنگ و استفاده از آن برای دستیابی به مقاصد خود بود. حمله عراق نه تنها باعث فروپاشی حکومت ایران از درون نشد بلکه درست برعکس به آن فرصت داد تا خود را در قدرت تثبیت کند. ارتش عراق هرچند به خوبی مجهز شده بود اما آمادگی کاملی برای جنگ نداشت و البته ایرانی‌ها از این نظر در وضعیت نامناسب‌تری قرار داشتند. مهمترین بخش ارتش عراق به طور غیرمنتظره‌ای خوب جنگید: حملات تانک‌های عراقی در دشت‌های میان شهرهای ایران بارها ایرانیان را غافلگیر کرده و صدمات سختی را به واحدهای پراکنده ایرانی در طول خط مقدم وسیع نبرد وارد کرد. هرچند بسیاری از تحلیل‌گران شیوه عملیاتی عراق را بر گرفته از سبک شوروی توصیف می‌کنند اما آن‌ها در واقع بسیار بیشتر تحت تاثیر نظریات جنگی بریتانیایی قرار داشتند هرچند ارتش عراق تقریباً به طور کامل با تانک‌ها، نفربرها، و توپخانه روسی تجهیز شده بود.



در جریان حمله جسورانه عراق به شرق کارون در اواخر مهرماه که مدافعین ایرانی را غافلگیر کرده و به آشوب کشانده بود، نیروی هوایی و هوانیروز ایران با وجود مشکلات اطلاعاتی برای هدف‌گیری رخنه‌هایی در مواضع عراقی پدید آورده و بسیاری از خودروهای عراقی را نابود کردند. در این حمله بخش‌هایی از سپاه پنجم مکانیزه و سپاه ششم زرهی عراق با ایجاد سرپل کوچکی در بخش شرقی رود در نزدیکیدارخوین نیروهای ایرانی را غافلگیر و مسیرهای تدارکاتی ایران را در معرض تهدید قرار دادند. آن‌ها از این نقطه می‌توانستند به سمت شمال و شرق پیشروی کرده و دزفول را به محاصره درآورند. در اواخر مهر نیز یک اسکادران اف-۱۴ برترزی هوایی را بر فراز میدان جنگ در خوزستان تأمین کرده و با سرنگون کردن حدود ۱۲ جنگنده عراقی تنها در دو روز به نیروهای ایرانی اجازه داد تا پدافند هوایی عراق در منطقه را که شامل چندین پایگاه سام-۶ می‌شد پاکسازی کرده و شبکه تدارکاتی عراق را منهدم کنند.

در میان واحدهای نیروی زمینی ارتش ایران در هفته اول حمله عراق به ایران، تنها سرهنگ هوشنگ عطاریان در جبهه غرب کشور بود که با اتخاذ تاکتیک عملیاتی ضد حمله در روز هشتم از شروع جنگ توانست ارتش عراق را از خاک ایران بیرون نمایند،در گزارش جنگی جمهوری اسلامی در آن ایام آمده‌است:

بعد از ظهر امروز هوشنگ عطاریان فرمانده نیروی زمینی ارتش در جبهه غرب کشور، قصر شیرین را باز پس ستاند و در جبهه غرب کشور ۸۰ تانک عراقی را نابود کردند و نیروهای ما رادیو و تلویزیون را باز پس گرفتند

دو سال بعد، سرهنگ هوشنگ عطاریان به علت توده‌ای بودن دستگیر و به اتهام: عامل نفوذی عراق، تیرباران شد.

آزاد سازی خرم شهر

مدتی پیش از فتح خرمشهر، تحلیلگران سازمان سیا در ایالات متحده به این نتیجه رسیدند که در صورت ادامه همین روند، عراق در جنگ با ایران شکست خواهد خورد. در سوم خرداد ۱۳۶۱ ایران به یک پیروزی بزرگ دیگر دست یافت. عراق که هنوز از شکست حصر آبادان ترمیم نیافته بود، خود را با عملیات بیت‌المقدس روبرو دید. این عملیات در سه محور جنوب سوسنگرد در شمال خوزستان، جاده اهواز خرمشهر در مرکز و خود شهر خرمشهر انجام شد و در هر سه محور به پیروزی ایران منجر شد. تنها کمتر از ۲۸ ساعت از آغاز عملیات، نیروهای ایرانی کنترل شهر را به دست گرفتند. در حین عملیات ۱۵۰۰۰ سرباز عراقی کشته و یا اسیر شدند.



تحلیلگران سیا پیش بینی می‌کردند که احتمال مداخله سایر اعراب در جنگ و منطقه‌ای شدن آن نیز وجود دارد. تا اوایل تیرماه ۱۳۶۱، رونالد ریگان به این نتیجه رسید که ایالات متحده نمی‌تواند اجازه دهد که عراق بازنده این جنگ باشد و باید به هر قیمتی جلوی شکست کامل عراق را بگیرد. رئیس بخشخاورمیانه شورای عالی امنیت ملی آمریکا در دولت ریگان، سال‌ها پس از پایان جنگ ایران و عراق و زمانی که آمریکا در دهه ۹۰ میلادی رو در روی صدام ایستاده بود در این باره گفت:

این‌گونه نبود که ما می‌خواستیم عراق «برنده» جنگ باشد. خیر. ما فقط مایل نبودیم عراق «بازنده» جنگ باشد. ما را واقعاً ساده فرض نکنید. ما می‌دانستیم که او (صدام حسین) یک «حرامزاده» است. ولی او، «حرامزاده» خودمان بود.

جنگ نفتکش ها و ورود ایران به عراق

در سال چهارم جنگ، نیروهای زمینی دو طرف به تعادل رسیده بودند. ولی در خلیج فارس وضع به گونه دیگری بود. در یک مقطع دو ساله، کشورهایکویت، ایالات متحده، اردن و آفریقای جنوبی در یک همکاری تنگاتنگ، نفت خام هدیه شده از سوی کویت را در نفت‌کش‌های با پرچم آمریکا بارگیری کرده و به آفریقای جنوبی منتقل می‌کردند. آفریقای جنوبی در عوض سوخت مورد نیاز عراق را به بندری در اردن تحویل می‌داد.همزمان جزیره خارک به عنوان پایانه اصلی صدور نفت ایران توسط هواپیماهای پیشرفته‌ای که فرانسه به عراق تحویل داده بود، مسدود شد. به این ترتیب ایران وارد جنگ نفت‌کش‌ها شد.



طرف عراقی تنها در طول سال ۱۳۶۳ دست به حمله به ۳۳ نفت‌کش زد. ایران نیز با حمله به ۱۷ نفتکش به این عمل واکنش نشان داد. واکنش هاشمی رفسنجانی به این مسئله این بود که تهدید کرد اگر جلوی صادرات نفت ایران از خلیج فارس گرفته شود، آنگاه هیچ کشوری نخواهد توانست از نفت خلیج فارس استفاده کند. دو هفته بعد، شورای امنیت به این تهدید ایران واکنش نشان داد و با صدور قطعنامه ۵۵۲طرفین را از حمله به کشتی‌های غیر نظامی بازداشت.

ورود ایران به خاک عراق

ایران سرانجام در بهار ۱۳۶۴ در عملیات دیگری موفق شد به بخشی از اهداف عملیات رمضان برسد و ارتباط عراق را با خلیج فارس قطع کند. در این عملیات که به شکلی گمراه‌کننده ابتدا رو به سمت شمال بصره انجام شد، ایران موفق شد شبه جزیره فاو را به طور کامل تصرف کرده و ارتباط بندر نفتی-نظامی ام‌القصر عراق را برای مدت بیش از دو سال با خلیج فارس قطع کند. این پیروزی در شرایطی به دست آمد که عراق بار دیگر از سلاح‌های شیمیایی برای ضدحمله استفاده کرد. همزمان یک خط لوله میان عراق و عربستان احداث شد تا نیازی به عبور نفت‌کش‌ها در خلیج فارس و در تیررس نیروهای ایران نباشد.

در زمستان ۱۳۶۵ نیروهای ایران به نزدیک بصره رسیدند. با افزایش احتمال سقوط بصره و پدیدآمدن این باور که موازنه نظامی به نفع ایران در حال تغییر است، خاویر پرز دکوئیار اعلام کرد که اعضای شورای امنیت برای پایان دادن به جنگ مصمم هستند. مذاکرات برای تهیه پیش نویس قطعنامه ۵۹۸ به سرعت آغاز شد. پس از آن که در بهار ۱۳۶۶ ایران موفقیت‌های دیگری در جبهه شمال و در منطقه سلیمانیه به دست آورد سرانجام قطعنامه ۵۹۸ در ۲۹ تیر ۱۳۶۶ به تصویب رسید.

ورود امریکا به جنگ علیه ایران

صدور قطعنامه ۵۹۸ در ایران بحث‌های چالش برانگیزی را برانگیخت.این قطعنامه درباره آغاز کننده جنگ و چرایی وقوع آن ساکت بود. قطعنامه بیش از حد یک جانبه و به سود عراق و همراه با اعمال نظر ایالات متحده بود. در مورد مسئله تعیین متجاوز و مقصر، قطعنامه به سادگی گفته بود:

دبیر کل سازمان ملل، در راستای شناسایی متجاوز اختیارات لازم را به یک هیئت بی‌طرف خواهد داد تا پس از تحقیق درباره مسئول واقعی جنگ، گزارش خود را در اسرع وقت ب

ه شورای امنیت ارائه کنند.

واکنش ایران به این قطعنامه این بود که آن را نه قبول و نه رد کرد. ایران خواستار آن بود که عراق به روشنی به عنوان متجاوز شناخته شده و این خواسته را بارها و بارها اعلام کرده بود. خواسته‌ای که هربار توسط سازمان ملل رد می‌شد. در طول یک سالی که از تصویب قطعنامه تا پذیرش آن توسط ایران گذشت، ایران تحت فشار خارجی زیادی برای قبول آن قرار داشت.



شلیک موشک از ناو آمریکایی یواس‌اس وینسنس. از چنین موشکی برعلیه پرواز شماره ۶۵۵ ایران ایر استفاده شد. این شلیک موجب مرگ ۲۹۰ مسافر غیرنظامی ازجمله زنان و کودکان شد.

رونالد ریگان در ۳۱ شهریور ۱۳۶۶ در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ایران را رسماً تهدید کرد که اگر به قطعنامه ۵۹۸ پاسخ منفی بدهد، چاره‌ای جز یک «اقدام عملی» باقی نمی‌ماند. اندکی بعد ایالات متحده به عنوان متحد عراق وارد جنگ با ایران شد. در ۳۰ فروردین ۱۳۶۷ ایالات متحده به نفت‌کش‌ها و سکوهای نفتی غیرنظامی ایران در خلیج فارس حمله کرد. تنها دو روز پیش از آن و در روزهای ۲۸ و

۲۹ فروردین، عراق برای بازپس گیری شبه جزیره فاو شروع به بمباران شیمیائی مواضع ایران نموده بود.در جریان این حمله بالگردهای آمریکایی به نفع نیروهای عراقی مستقیماً وارد جنگ با ایران در فاو شدند. روشن بود که ایران توان جنگیدن مستقیم و همزمان با دو ارتش ایالات متحده و عراق را نداشت.^[۱۰۳] بنابراین شبه جزیره فاو دوباره به دست عراق افتاد.

در ۱۲ تیر ۱۳۶۷ ناو آمریکایی یواس‌اس وینسنس یک هواپیمای غیرنظامی ایرباس مسافری ایران را در آب‌های خلیج فارس مورد اصابت موشک خود قرار داد و تمامی ۲۹۰ مسافر آن را کشت. با این حمله ایالات متحده مشخص کرد که مایل است به طور مستقیم وارد جنگ با ایران شود.این حمله تنها دو هفته پیش از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران صورت گرفت.

از بعد داخلی نیز دولت ایران تحت فشار زیادی بود.در داخل کشور زمزمه‌های مخالفت با جنگ آغاز شده بود و فشارهای اقتصادی بر دولت افزایش یافته بود. درآمد نفتی کشور از ۱۵ میلیارد دلار به کمتر از ۶ میلیارد دلار کاهش یافته بود و وضعیت اقتصادی کشور در بدترین حالت خود بود.سرانجام محسن رضایی طی نامه‌ای به روح‌الله خمینی، فهرستی از نیازهای مضاعف نیروهای نظامی ایران برای ادامه جنگ در ۵ سال آینده را ارائه داد.



...تا پنج سال دیگر ما هیچ پیروزی نداریم. ممکن است در صورت داشتن وسائلی که در طول پنج سال به دست می‌آوریم قدرت عملیات انهدامی یا مقابله به مثل را داشته باشیم و بعد از پایان سال ۱۳۷۱ اگر ما دارای ۲۵۰ تیپ پیاده و ۲۵۰۰ تانک و ۳۰۰۰ قبضه توپ و ۳۰۰ هواپیمای جنگی و ۳۰۰ هلیکوپتر باشیم و قدرت ساخت مقدار قابل توجهی از سلاحهای لیزری و اتمی که از ضرورتهای جنگ در آن موقع است را داشته باشیم، می‌توان گفت به امید خدا بتوانیم عملیات آفندی انجام دهیم....

با این وجود فرمانده سپاه پاسداران در ادامه همین نامه بر لزوم ادامه جنگ تاکید کرد. ولی میرحسین موسوی ضمن رد خواسته‌های سپاه اعلام کرد که دولت ظرفیت اختصاص حتی یک دلار دیگر برای تهیه چنین فهرستی ندارد. بنابراین ایران در روز ۲۷ تیر ۱۳۶۷ قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را پذیرفت. روح‌الله خمینی درباره تصمیم به پذیرش این قطعنامه گفت:

قبول این مسئله برای من از زهر کشنده تر است، ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم.

میانجیگری سایر کسورها



شورای امنیت در دوران جنگ ایران و عراق قطعنامه‌های ۴۷۹، ۵۱۴، ۵۲۲، ۵۴۰، ۵۵۲، ۵۸۸،۵۸۲ و ۵۹۸ را در این خصوص صادر کرد

از نخستین روز آغاز جنگ، کورت والدهایم دبیرکل سازمان ملل متحد از طرفین خواست که تلاش خود را برای حل اختلافات به کار بگیرند. نخستین بیانیه شورای امنیت در زمینه این جنگ، فقط از دو طرف خواسته بود که از هرگونه اقدام نظامی خودداری کنند. در این بیانیه حتی از عراق خواسته نشده بود که به پشت مرزهای دو کشور باز گردد. شش روز بعد و در ۶ مهرماه ۱۳۵۹ قطعنامه ۴۷۹ شورای امنیت در خصوص جنگ ایران و عراق صادر شد و باز هم بدون اشاره به تجاوز عراق به خاک ایران و فقط با ذکر عبارت «وضعیت میان ایران و عراق» از دو کشور خواسته شد که از توسل به زور خودداری کنند. عراق بلافاصله این قطعنامه را پذیرفت ولی ایران اعلام کرد تا پیش از خروج نیروهای عراق از خاک ایران، این قطعنامه را نمی‌پذیرد.^[۱۳۲]

پس از آن نیز تا پیش از صدور قطعنامه ۵۹۸، شورای امنیت بیانیه‌ها و قطعنامه‌های متعددی درباره جنگ ایران و عراق صادر کرد. نخستین فطعنامه‌ای که در آن از دو کشور خواسته شده بود به پشت مرزهای خود بازگردند، قطعنامه ۵۱۴ بود که در ۲۱ تیرماه ۱۳۶۱ و اندکی پس از بازپس گیری خرمشهر از عراق صادر شد. در قطعنامه ۵۴۰ به جای واژه خلیج فارس از واژه «خلیج» استفاده شد که موجب اعتراض ایران شد. در زمستان ۱۳۶۴ و ۱۵ روز پس از حمله ایران و تصرف شبه جزیره فاو شورای امنیت قطعنامه ۵۸۲ را صادر کرد. در قطعنامه ۵۸۸ که در مهر ۱۳۶۵ صادر شد و بر اجرای قطعنامه ۵۸۲ تاکید داشت، همچنان از عبارت «وضعیت میان ایران و عراق» استفاده شده بود. ، فصل مشترک همه قطعنامه‌های شورای امنیت تا پیش از قطعنامه ۵۹۸ این بود که در هیچ‌یک از آن‌ها به سه عنصر «آغازگر جنگ»، «کشور متجاوز» و ««چگونگی تنبیه متجاوز» اشاره‌ای نشده بود. عراق همه قطعنامه‌های سازمان ملل را پذیرفت و یا آمادگی خود را برای پذیرش آن اعلام کرد. ولی ایران تنها قطعنامه ۵۹۸ را پس از یک سال از صدور پذیرفت.^[۱۳۳]

سایر فعالیت‌ها برای برقراری صلح

علاوه بر شورای امنیت و سازمان ملل متحد، مجامع، کشورها و افراد دیگری نیز در مقاطعی از جنگ هشت ساله، تلاش کردند تا نقش میانجی صلح را داشته باشند. ولی هیچ یک از این تلاش‌ها به نتیجه نرسید. یکی از مهم‌ترین این تلاش‌ها تشکیل کمیته حسن نِیت مرکب از نمایندگان دولتهای کوبا، یوگسلاوی، الجزایر، زامبیا، هند، پاکستان و سازمان ساف توسط جنبش عدم تعهد بود.سازمان کنفرانس اسلامی، شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه عرب و اتحادیه اقتصادی اروپا نیز از دیگر مجامعی بودند که در مقاطعی تلاش‌هایی برای برقراری آتش بس و عقب نشینی نیروهای دو کشور به پشت مرزها انجام داد.^[۱۳۴]

موضع سایر کشور ها در زمان جنگ

از بعد تاریخی، جنگ ایران و عراق در اواخر جنگ سرد و در دور دوم آن رخ داد.^[۱۲۶]
بیشتر سال‌های جنگ در دوره ریاست جمهوری رونالد ریگان سپری شد. در آن زمان دو دیدگاه اصلی در میان نظریه پردازان سیاسی آمریکا درباره ایران وجود داشت. دیدگاه نخست آن بود که ایران پس از سقوط شاه «ازدست رفته» است و باید به هر روش ممکن آن را بازگرداند. دیدگاه دوم این بود که در میان اداره کنندگان ایران، علایق غرب گرایانه بیش از علایق چپ گرایانه مشاهده می‌شود. در طول هشت سال بعد، موضع ایالات متحده در قبال ایران و جنگ را به تناوب به قدرت گرفتن یکی از این دو دیدگاه بستگی داشت.^[۱۲۷]



در این میان با آغاز جنگ، شوروی برای مدتی حمایت تسلیحاتی خود از عراق را متوقف کرد. ولی به زودی به این فکر افتاد که با از سر گیری کمک تسلیحاتی به عراق، می‌تواند دوباره این کشور را به سوی خود جذب کند. از سوی دیگر شوروی به پول نقدی که عراق از فروش نفت خود به دست می‌آورد نیاز داشت. بنابراین دلایل اقتصادی مهمی در روابط شوروی با عراق در طول جنگ وجود داشت.^[۱۳۸]
از سوی دیگر اگرچه در اوایل جنگ روابط ایران و شوروی توام با احترام بود ولی مسائلی مانند اشغال افغانستان توسط شوروی و دستگیری اعضای حزب توده توسط ایران گاهی باعث سردی روابط دو کشور بود. روشن است که ایران از روابط خوب میان شوروی و عراق نیز راضی نبود^[۱۳۹] و شوروی نیز نگران قدرت گرفتن شیعیان عراق بود که توسط ایران حمایت می‌شدند. با این‌حال شوروی تلاش می‌کرد با بازگذاشتن درهای تجارت و ترانزیت کالا از طریق ایران، این کشور را راضی نگه دارد.^[۱۳۰]

در سال‌های اول شوروی با اعلام موضع بی‌طرفی از فروش مستقیم سلاح و جنگ‌افزار به عراق خودداری می‌کرد، ولی اجازه می‌داد تا اردن اسلحه مورد نیاز عراق را خریداری و به دست عراق برساند. اردن این نقش خریدار ظاهری را در خریده‌های مهم تسلیحاتی از چین، اسپانیا، بریتانیا و ایالات متحده نیز ایفا می‌کرد. ولی نقش اردن در جنگ ایران و عراق به همین‌جا خاتمه نمی‌یافت. تمامی بنادر و فرودگاه‌ها و سرزمین اردن بر

روی کالاهای صادراتی و وارداتی به عراق باز بود. بندر عقبه در دریای سرخ در اختیار عراق بود تا کالاهای خود را صادر کند. ملک حسین نیز همزمان به پایتخت‌های مختلف جهان سفر می‌کرد تا موضع عراق را درباره جنگ تشریح کند.^[۱۳۱]

رویدادهای سال ۱۲۵۸ و سیاست صدور انقلاب اسلامی و اقدامات آشکار و پنهان در منطقه زمینه‌ای شد تا دو کشور عراق و عربستان سعودی به یکدیگر بیش تر نزدیک شوند و یک سال قبل از شروع جنگ در پیمان امنیت متقابل بین دو کشور امضاء گردید.^[۱۳۲]
[در واقع عربستان سعودی در کنار ایالات متحده تمامی تلاش خود را به کار بست تا جلوی ایران برتری و پیروزی ایران در جنگ را بگیرد].^[۱۳۳]
[پادشاه عربستان تنها سه روز پس از آغاز جنگ در تماسی تلفنی حمایت کامل کشورش از عراق را به صدام ابلاغ کرد. در طول سال‌های جنگ نیز عربستان در تأمین جنگ‌افزار مورد نیاز برای عراق همکاری می‌نمود].^[۱۳۴]

در میان کشورهای عربی، نقش مصر نیز در حمایت از عراق قابل ملاحظه بود. مصر نه‌تنها در طول جنگ به عراق اسلحه می‌فروخت، بلکه کمبود نیروی انسانی خلبان عراق را نیز با اعزام خلبانان مصری به جبهه جنگ عراق با ایران جبران می‌کرد. علاوه بر آن، این مصر در معامله خرید تسلیحات نظامی جدید برای عراق، از جمله هواپیماهای پیشرفته سوپر اتاندارد از فرانسه نقش داشت. در طول جنگ، کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس مانند کویت و عربستان سعودی و در وهله بعد امارات متحده عربی و عمان، آشکارا در سمت عراق بودند. بیشتر این حمایت‌ها در قالب کمک‌های مستقیم و غیرمستقیم مالی صورت می‌گرفت. با تصمیم کویت و عربستان، درآمد حاصل از فروش نفت در منطقه بی‌طرف خفجه میان این دو کشور به عراق اختصاص یافته بود. اگرچه موضع رسمی این کشورها بی‌طرفی در جنگ میان ایران و عراق بود، ولی برخی از این کشورها به سادگی سرزمین خود را در اختیار عراق می‌گذاشتند تا از آن برای حمله به ایران استفاده کند.^[۱۳۵]
[از دید اعراب، رهبران ایران به وضوح اعلام کرده بودند که قصد صادر کردن انقلاب خود را به کشورهای دارای اسلام آمریکایی دارند و بیشتر اعراب مایل نبودند انقلاب ایران به کشور آنان صادر شود].^[۱۳۶]^[۱۳۷]

هماهنگ با کشورهای عربی، ابرقدرت‌ها نیز نه‌تنها هیچ‌گاه حمله عراق به ایران را محکوم نکردند.^[۱۳۸]
[بلکه حتی تا سال‌ها حاضر به محکوم کردن جنایات جنگی عراق نیز نشدند. برای نمونه با آنکه دولت ریگان دست‌کم از سال ۱۹۸۳ در مورد استفاده عراق از جنگ‌افزارهای شیمیایی اطمینان داشت، ولی چشم خود را بر روی استفاده‌های مکرر بعدی عراق از گازهای شیمیایی بسته بود. چرا که به عقیده ریگان استفاده عراق از جنگ‌افزارهای شیمیایی بر علیه هزاران رزمنده ایرانی، خطری به مراتب کمتر از سیاست صدور انقلاب از سوی ایران داشت].^[۱۳۹]

در میان کشورهای عربی نخستین کشور حامی ایران از سال ۱۹۸۲، سوریه بود. در سال ۱۹۸۵ لیبی نیز با ایران یک پیمان استراتژیک منعقد کرد. به غیر از این دو کشور ایران متحد اصلی دیگری در منطقه نداشت. ترکیه روابط گسترده‌ای با هردو کشور ایران و عراق داشت و الجزایر موضع بی‌طرف داشت. سایر کشورهای منطقه شامل بحرین، مصر، اردن، کویت، مراکش، عمان، قطر، عربستان سعودی، تونس، امارات و یمن یا موضع دشمنی با ایران و دوستی با عراق داشتند، یا از عراق حمایت مالی می‌کردند و یا فقط یک طرفدار عراق بودند.^[۱۴۰]

کشور اسرائیل موضعی برعلیه هر دو طرف جنگ داشت.^[۱۴۱]
[با این حال در ماجرای ایران کنترا اسرائیل به ایران اسلحه فروخت و کار ناتمام ایران در عملیات اوسیراک را با حمله به نیروگاه اتمیاوسیراک عراق در عملیات اپرا تمام کرد. از دیدگاه اسرائیل، برد هر یک از طرفین در جنگ به منزله ظهور یک ابرقدرت منطقه‌ای دشمن اسرائیل بود. لذا اسرائیل سیاست موازنه قوا بین ایران و عراق را در پیش گرفته بود.

تحلیل های نظامی جنگ

یکی از بزرگترین اشتباهات استراتژیک عراق برای آغاز کردن طولانی‌ترین و خونین‌ترین جنگ پس از جنگ جهانی دوم، ارزیابی نادرست از میزان توان دفاعی ایران پیش از تجاوز آن کشور به ایران بود. اهداف سیاست خارجی عراق برای آغاز جنگ سیادت و رهبری بر اعراب بود. رایج‌ترین توضیح برای ناکامی عراق این است که این هدف جاه‌طلبانه با استراتژی جنگی عراق که تهاجم به خاک ایران بود تناسبی نداشت. شکست عراق در دستیابی به یک پیروزی قاطع و سریع نشان می‌دهد که شکاف بزرگی میان اهداف بلندپروازانه صدام حسین و محدودیت‌های نظامی این کشور وجود داشته‌است. به بیان دیگر اشتباه عراق این بود که «لقمه‌ای بسیار بزرگتر»از دهانش برداشته بود.

علی‌رغم مشکلات سازماندهی و هماهنگی، نیروی هوایی ایران در همان ابتدای جنگ به حکومت عراق نشان داد که نمی‌تواند منتظر یک پیروزی سریع و ارزان باشد. خلبانان ایرانی تلاش بیشتری در دفاع نسبت به همکاران عراقی خود نشان دادند و ضربات سنگینی به‌خصوص در تاسیسات نفتی شمال عراق و نزدیک کرکوک وارد کردند. خلبانان ایرانی که اغلب در آمریکا آموزش دیده‌بودند، انگیزه و روحیه تهاجمی بیشتری برای قبول خطر داشتند. همچنین برد پرواز و قابلیت حمل سلاح‌های بیشتر اف-۴ فانتوم۲های ایران از میگ‌های ۲۳ عراقی بیشتر بود. بنابراین در مجموع در نبرد هوایی، نیروی هوایی ایران نتایج بهتری از نیروی هوایی عراق به دست آورد.



در نبرد زمینی، واکنش‌های ارتش عراق کند بود. در تمام حملات ایران، تنها واکنش نظامی و استراتژی جنگی عراق، تلاش برای عقب زدن نیروهای ایرانی با آتش مستقیم بود.^[۱۴۹]
[در نبرد دریایی نیز ایران در همان ابتدای جنگ و طی عملیات مروارید، نیروی دریایی عراق را به کلی منهدم کرد و تا پایان جنگ برتری خود در خلیج فارس را حفظ نمود].^[نیارمند منبع]

هزینه‌های جنگ

بر اساس آمارهای بین‌المللی، جنگ عراق و ایران ۶۳۷ میلیارد دلار هزینه برای دولت ایران و ۵۶۱ میلیارد دلار هزینه برای دولت عراق به همراه داشت. همچنین هزینه بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ برای ایران ۶۴۴ و برای عراق ۴۵۲ میلیارد دلار برآورد می‌شود.^[۱۵۰]
[بر همین اساس در طول این جنگ ۱۰٬۰۰۰٬۰۰۰ انسان کشته و زخمی شدند که از این میان ۲۶۲٬۰۰۰ ایرانی و ۱۰۵٬۰۰۰ عراقی کشته شده‌اند].^[۱۵۱]

هزینه مالی مستقیم جنگ برای عراق شامل ۷۴ تا ۹۱ میلیارد دلار برای هدایت جنگ و ۴۱٬۹۴ میلیارد دلار واردات اقلام نظامی بود. ایران نیز حدود ۹۴ تا ۱۱۲ میلیارددلار برای هدایت جنگ و ۱۱٬۲۶ میلیارد دلار برای واردات نظامی هزینه کرد. هزینه غیرمستقیم ناشی از کاهش درآمدهای نفتی و تولیدات کشاورزی دو کشور نیز حدود ۵۶۱ میلیارد دلار برای عراق و ۶۳۷ میلیارد دلار برای ایران برآورد شده‌است.^[۱۵۲]
]



یک فروند هواپیمای جنگی ایرانی در یک پایگاه هوایی

آتش بس طرفین

یک هفته پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران، حدود ۵۰۰۰ نیروی سازمان مجاهدین خلق با مقادیری تجهیزات جنگی در محور غرب و از طریق شهرهای مهران و اسلام‌آباد غرب در عملیاتی با عنوان فروغ جاویدان به ایران حمله کردند. هدف این عملیات تسخیر تهران در ۳۳ ساعت بود و مسعود رجوی فرماندهی عملیات را برعهده داشت. عملیات پاتک ایران عملیات مرصاد نام‌داشت و طی آن مجاهدین در کمین قرار گرفتند و شکست خوردند. به گفته هاشمی رفسنجانی:«اینها توی کیسه آمدند و ما در کیسه را بستیم».
۱۰ روز پس از این شکست، آتش بس در سراسر مرزهای ایران و عراق برقرار شد.

پس از آتش بس

